



۲۰۱۹/۰۵/۳۱



همایون شاه عالمی

غزل نابی

از حضرت سنایی غزنوی (ح)



رازی ز ازل در دل عشاق نهانست

زان راز خبر یافت کسی را که عیانست

او را ز پس پرده اغیار دوم نیست

زان مثل ندارد که شهنشاه جهانست

گویند ازین میدان آن را که در آمد
کی خواجه دل و روح و روانت ز روانست
گر ماه هلال آید در نعت کسوفست
ور تیر وصال آید بر بسته کمانست
کاین کوی دو صد بار هزار از سرمعنی
گشتست کز ایشان تَف انگشت نشانست
گر چند نگونست درین پرده دل ما
میدان به حقیقت که ز اقبال ستانست
قاف از خبر هیبت این خوف به تحقیق
چون سین سلامت ز پی خواجه روانست
گویی که مگر سینه پر آتش دارد
یا دیده او بر صفت بحر عمانست
این چیست چنین باید اندر ره معنی
آنکسکه چنین نیست یقین دان که چنانست
نظم گهر معنی در دیده دعوی
چون مردمک دیده درین مقله نهانست
در راه فنا باید جان های عزیزان
کاین شعر سنایی سبب قوت جانست



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!